



مطالعه تطبیقی با رویکرد انتقادی در نقش آفرینی حمزه (ع) تا زمان مسلمان شدن

مهدی حشمتی

دانشجوی دکتری تاریخ (رشته سیره پیامبر اعظم) و مدرس المصطفی (ص)، قم www.heshmati1361@gmail.com

چکیده

نقش بی بدیل و حساس حضرت حمزه (ع) در پیشبرد اهداف پیامبر (ص) انکار ناشدنی است. حمزه از حامیان مهم دعوت پیامبر اکرم (ص) بود و حتی در زمانی که هنوز مسلمان نشده بود، از پیامبر (ص) در مقابل آزار مشرکان حمایت می کرد. در این نوشتار به بررسی نقش حمزه (ع) در حوادث قبل از اسلام مانند جنگهای فجار و حلف الفضول، و تتبع اخبار مختلف درباره حضور و عدم حضورش در موارد مذکور و نقش وی در حوادث قبل از اسلام، پرداخته می شود. سه سوال اساسی در این بحث مطروحه، جواب داده شده که ۱- آیا با وجود ظرفیت حمزه (ع) مسیر ظهور اسلام سهل شد؟ ۲- آیا حمزه (ع) در حوادث، مناصب و جنگهای قبل از اسلام مثل فجار، حلف الفضول، نصب حجر الاسود و... نقش داشته یا خیر؟ ۳- محوری ترین اخبار رسیده درباره حمزه بن عبدالمطلب (ع) در جریان حوادث قبل از اسلام حول چه محوری است؟ نتیجه گیری آنکه حمزه بعنوان یک مجبر و نیروی مستشاری نظامی و دفاعی در کنار رسول خدا بود و جنگید تا شهید شد. احتمال حضور وی در فجار با توجه به آرا و اخبار متفاوت و بررسی اخبار متقدم و نزدیک به عصر پیامبر، بیش از عدم حضورش بوده، هرچند در حلف الفضول اسمی از وی تقریباً در هیچ منبعی نیامده اما بیشترین اخبار رسیده از حمزه قبل از اسلام حول محور قرابت و حمایت از رسول اکرم (ص) است.

واژه های کلیدی

حمزه، اسلام، فجار، حلف الفضول



۱. متن مقاله

مقدمه

شناخت نقش نخستین پرچمدار^۱ پیامبر □ یعنی جناب حمزه بن عبدالمطلب؛ که از قبیله قریش، از شهدای اُحد، عمو و برادر رضاعی رسول خدا^۲، شخصیتی که از خانه خویش به مسجد پیامبر در ب داشتند^۳، اینکه چه عواملی رخ داد تا وی از حواریون^۴ حضرت رسول به شمار برود و مدال لقب المعروفون بالجهاد^۵ را دریافت کند، مهاجری که بعد از شهادتش پیامبر هفتاد بار بر پیکرش تکبیر گفت و نماز گزارد^۶ و بعد از شهادتش طبق حدیثی از پیامبر اکرم □ مورد تایید الهی قرار گرفت^۷، رادمردی که طبق بعضی از نقل ها حضرت فاطمه سلام الله علیها برای قبرش سنگ چین درست کرده بود^۸ و مردم به خاک قبرش تبرک می جستند^۹ تعاریف نبی مکرم اسلام و دادن لقب سید الشهداء، اُسد الله، اُسد رسول الله^{۱۰} به او، همراهی وی با پیامبر در زندگی مخفیانه در خانه اُرقم بن اُبی اُرقم^{۱۱} و... لازم بوده و می طلبد تا نقش وی قبل از اسلام را مورد بررسی و جستجوی دقیق قرار گرفته و رفتار و آثار رفتار و تاثیر آن بر اسلام مورد استفسار قرار گیرد. چرا که در هر نظام و حکومتی اشخاص صاحب نفوذ و جریان ساز باید مورد مذاقه قرار گرفته تا زوایای رفتاری آنان شناخته شده و سیره و مکتب آنان چراغ راهی برای آیندگان قرار گیرد.

حمزه فرزند عبدالمطلب و هاله بنت اُهییب بن عبد مناف بن زهره بوده^{۱۲} و گفته شده از ثویبه کنیز ابولهب شیر خورده است.^{۱۳} حمزه محصول ازدواج عبدالمطلب با دلاله بود که دو سال^{۱۴} و به قولی^{۱۵} چهار سال زودتر از ولادت حضرت رسول اکرم □ در حجاز دیده به جهان گشود.^{۱۶} البته با توجه به تردید بعضی در شیر دادن ثویبه به پیامبر^{۱۷} ممکن است اختلاف سنی بیش از اینها باشد. در دلالت رضاعی بودن وی به پیامبر آنکه وقتی به حضرت محمد «ص» پیشنهاد گردید با دختر حمزه ازدواج کند، فرمود: عمومیم برادر رضاعی من هم به شمار می رود و به وسیله رضاع همان کسانی که از طریق نسب محرم اند، محرم می شوند.^{۱۸} نامش را در منابع تاریخی، روایی در کنار معصومین □ و به لسان پیامبر و ائمه □ می بینیم.^{۱۹} شیخ طوسی در کتاب رجال خود او را از اصحاب شمرده است ۲۰ علامه حلی هم در کتاب رجال خود او را راستگو، معتمد و مقبول الحدیث می داند.^{۲۱}

- ۱- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه ج ۱ ص ۷
- ۲- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۸، معرفه الصحابه ج ۲، ص ۶۷۲
- ۳- ابن زبانه، اخبار المدینه، ص ۱۱۲-۱۱۳، سمهودی ج ۲ ص ۴۷۷
- ۴- ابن حبیب، محمد، المحبر، ص ۴۷۴
- ۵- قاضی نعمان بن محمد، شرح الاخبار ج ۲، ص ۲۱۸
- ۶- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳ ص ۱۱- نهج البلاغه نامه ۲۸، کلینی ج ۳، ص ۱۸۶
- ۷- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۲۹۰
- ۸- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳ ص ۱۹- ابن شبه نمیری، ج ۱ ص ۱۳۲
- ۹- سمهودی، علی بن عبدالله، وفا الوفا، ج ۳، ص ۲۲۸
- ۱۰- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۰۲، بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۳۸۱
- ۱۱- حلبی شافعی، ابوالفرج نورالدین، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۲۸۳
- ۱۲- ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، ج اول، ص ۲۵۱- انتشارات مکتب حیدریه- چاپ اول- ۱۳۸۳
- ۱۳- همان ج ۲ ص ۹
- ۱۴- اسد الغابه، ج ۲، ص ۵۲۸
- ۱۵- المغازی، ج ۱، ص ۷۰، انساب الاشراف ج ۴، ص ۳۸۳
- ۱۶- تاریخ الرسل و الملوک، طبری، ج ۲، ص ۴، فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج اول، ص ۱۴۰، رجال شیخ طوسی، ص ۳۵، نهایه الادب فی فنون لادب، ج ۱، ص ۶۶
- ۱۷- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیر النبی الاعظم، ج ۲، ص ۷۱ تا ۷۸
- ۱۸- تاریخ پیامبر اسلام، محمدابراهیم آیتی، ص ۵۷-۵۸، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۱۹، طبقات، محمد بن سعد کاتب واقدی، ج ۳، ص ۶
- ۱۹- شهداء الاسلام فی عصر النبوه، علی سامی النشار مصری، ص ۴۵-۴۸، آیینه داران آفتاب، سید محمد رضا موسوی گرمارودی، صص ۴۴۴-۴۴۰



سال تولد حضرت حمزه به طور دقیق معلوم نیست. بیشتر تاریخ نویسان تولد او را دو سال پیش از عام الفیل (سال ولادت پیامبر که ۵۳ قبل از هجرت بوده)^{۲۲} دانسته‌اند، یعنی سال ۵۵ قبل از هجرت. بنا بر این نظر، حمزه کوچک‌ترین فرزند عبدالمطلب بوده است. برخی نیز ولادت او را چهار سال پیش از عام الفیل یعنی سال ۵۷ قبل از هجرت گفته‌اند. از آنجایی که عباس، عموی پیامبر □ سه سال از آن حضرت بزرگتر بوده، عباس کوچک‌ترین فرزند عبدالمطلب، و حمزه یک سال از وی بزرگتر بوده است.^{۲۳} عبدالمطلب از کسانی بود که به سنت ابراهیمی پای بند بود و فرزندان را از ظلم و ستم و امور پست دنیا نهی و به صفات نیکو تشویق می‌کرد.^{۲۴}

حمزه پیش از اسلام؛

از دوره پیش از اسلام حمزه اخبار زیادی در دست نیست. در روزگار جاهلیت حمزه از جمله فرزندان عبدالمطلب بود که در قریش ریاست یافتند.^{۲۵} لذا در دوره پیش از اسلام چنان جایگاهی داشت که بعضی با او پیمان می‌بستند^{۲۶}، هر چند که متقابلاً اخباری وجود دارد که دخالت حمزه در امور سیاسی و توجه او به دین جدید (اسلام) را منتفی دانسته است.^{۲۷} ابن اسحاق میگوید با اسلام آوردن حمزه از فشار قریش بر روی پیامبر کاسته شد^{۲۸} و این خود دلیل بر نفوذ و اعتبار جایگاه حمزه قبل از اسلام داشته است. برخی منابع از شرکت رسول خدا به همراه عموهایش در جنگ‌های فجار سخن گفته‌اند که شامل حمزه هم می‌شود.^{۲۹} گرچه در اصل شرکت پیامبر در جنگ‌های فجار بعثت ماه حرام تردید است.^{۳۰} حمزه در حوادث قبل از اسلام و وقتی که هنوز مسلمان نشده بود از وجود مقدس نبی اکرم □ در برابر آزار مشرکان حمایت می‌کرد و توهینهای برادرش ابولهب^{۳۱} و سایر مشرکان^{۳۲} به پیامبر را تلافی میکرد. می‌توان سخن پیامبر درباره رعایت خویشاوندی از سوی حمزه را حمل بر این تلاش‌ها و اعمال نیک وی در دفاع از پیامبر، قبل از بعثت دانست.^{۳۳}

اخباری نیز تصریح می‌کند بر حضور حمزه در جلسه خواستگاری پیامبر (ص)^{۳۴} که نشان از ارتباط نزدیک و اعتماد حضرت به وی می‌باشد. حمزه عهده دار کفالت جعفر بن ابیطالب نیز بود.^{۳۵} البته بعضی این کفالت را مربوط به حمزه ندانسته بلکه کفالت جعفر را بر عهده عباس بن عبدالمطلب می‌دانند.^{۳۶} اعتماد پیامبر به وی آنگونه بود که ابن اسحاق میگوید روزی که پیامبر اکرم □ خویشاوندانش را گرد هم جمع نمود (یوم الانذار) تا آنان را به آیین اسلام دعوت نماید حمزه نیز حضور داشت.^{۳۷}

حضور یا عدم حضور در حرب الفجار

جواد علی در المفصل به نقل از مسعودی آورده؛ فجارات ۴ جنگ بودند؛ فجار الرجل، فجار القرد، فجار المرء، فجار البراض که مهمترین آنان جنگ براض بود^{۳۸} ایشان میگوید بیشتر جنگ‌های فجار مناوشه یعنی بگومگو کردن و کشمکش میان طرفین بوده نه اینکه جنگ به معنای

۲۰- ر. ک. تنقیح المقال، علامه مامقانی، چاپ اول (المرتضویه، نجف، ۱۳۵۰ ق)

۲۱- ر. ک. معجم الرجال الحدیث، ج ۶ ص ۲۷۱، رجال علامه حلی (المطبعة الحیدریه، نجف) ص ۵۳

۲۲- درباره تاریخ عام الفیل دو قول وجود دارد الف) ۵۳ قبل از هجرت ب) ۵۵ سال قبل از هجرت ر. ک. مقاله: تطبیق تاریخ قمری بر تاریخ شمسی و تأثیر آن در فهم

مطالبی جدید از روایات، سید حسن خمینی، رشید داودی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، فصلنامه تخصصی متین

۲۳- ر. ک. اسوه‌های مقاومت (زیست نامه فرماندهان قبل از اسلام)، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ناشر، زمزم هدایت، ص ۱۴

۲۴- حلبی شلفعی، سیره حلبیه، ج ۱ ص ۷

۲۵- ابن حبیب، المحبر، ص ۱۶۴

۲۶- سدوسی، مورج ص ۲۸-۲۹، ابن حبیب، المحبر، ص ۲۴۳، واقدیج، ص ۱۵۳

۲۷- ر. ک. زریاب خوبی، عباس، سیره رسول الله، تهران، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۷۱

۲۸- ابن اسحاق، السیر و مغازی، ص ۱۷۲

۲۹- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۶

۳۰- الصحیح من سیره النبی الاعظم، سید جعفر مرتضی، ج ۲، ص ۱۳۷

۳۱- بلاذری، ج ۱، ص ۱۳۱، ابن اثیر الکامل ج ۲ ص ۷۰

۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۴۹

۳۳- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۳-۱۴

۳۴- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶، تاریخ طبری ج ۲، ص ۲۸۱، اسدالغابه ج ۶ ص ۸۰

۳۵- مقاتل الطالبین ص ۴۱، تاریخ تحقیقی اسلام ج ۱، ص ۲۹۵

۳۶- السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۶، تعاریف طبری ج ۲، ص ۳۱۳، تاریخ ابن خلدون ج ۲، ص ۴۱۰

۳۷- ابن اسحاق، السیر و مغازی، ص ۱۴۵، طبری ج ۲، ص ۳۱۹، طوسی الامالی ص ۵۸۲

۳۸- ر. ک. المفصل، جواد علی بغدادی، ج ۷، ص ۸۳، (به نقل از مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۱، تاج العروس، ج ۳، ص ۴۶۵)



واقعی کلمه باشد و از باب اینکه در ماه حرام واقع شده و متحاربین در این ماه بر هم خروج کردند اینگونه اطلاق می شود.^{۳۹} هر چند که جواد علی اسمی از حضور حمزه در حروب فجار و حلف الفضول نیابوده اما با بررسی و نگاه تیزبینانه به بعضی از روایات تاریخی و قدمت این اخبار و کناره هم قراردادن آنان می توان گفت احتمال حضور حمزه سیدالشهدا □ در جنگهای فجار بیشتر از عدم آن است چرا که متقدمینی مثل ابن هشام^{۴۰}، بلاذری^{۴۱}، ابن خلدون^{۴۲}، ابن سعد^{۴۳} بر این امر بصورت عام اشاره دارند که شامل حمزه نیز می شود، حضور پیامبر در این حرب قطعی و بعضی مثل ابن هشام حضور حمزه را نیز قطعی میدانند و می گوید: حمزه در جنگهای فجار و در پیمان حلف الفضول شرکت داشته است.^{۴۴} از طرفی هم ذکر کردیم که روابط حضرت حمزه با وجود مقدس پیامبر در پیش از اسلام یک روابط عادی و دوستانه نبود بلکه به گونه ای بود که وی پیامبر را عرض خود می دانست و به تعبیر امام سجاد علیه السلام دلیل اسلام آوردن حمزه غیرتی بود که روی پیامبر داشت^{۴۵}، البته این به معنای عدم شناخت وی از اسلام و به اصطلاح اسلام احساسی نیست همانطور که علامه سید جعفر مرتضی در الصحیح^{۴۶} تصریح نموده اسلام آوردن حمزه از ابتدا مبنی بر شناخت و آگاهی از آیین اسلام بود، و این طبیعی است که با توجه به قرابت سنی و عشق وی به رسول الله ملازم وی بوده و در جریانات مهمی مثل جنگهای فجار که حضرت حضور داشتند، بعید است که او حضور نیابد.

سبب فجار یعنی همان جنگی که میان کنانه و قیس بود، آن شد که مردی از بنی ضمره بنام "براض"^{۴۷} بن قیس^{۴۸} که در مکه در پناه حرب بن امیه می زیست، بر مردی از هذیل بنام "حارث" تاخت و او را کشت، پس حرب بن امیه او را از جوار خود راند و او به نعمان بن منذر پیوست و نزد او با عروه بن عتبۀ بن جعفر بن کلاب فراهم آمدند. نعمان در هر سال چند شتر جامه و مشک را برای بازرگانی به بازار عکاظ می فرستاد و کسی از عرب بان کار نمی گرفت تا آنکه نعمان برادر بلعاء بن قیس را کشت و بلعاء پس از آن بر کالا و مشکهای نعمان می تاخت، پس چون عروه و براض نزد او فراهم آمدند، گفت: شتران مرا که در پناه خود می گیری؟ براض گفت: من. و عروه گفت من هم از او کم نیستم. و میان آن دو نزاعی در گرفت پس چون بیرون رفتند و عروه رو براه نهاد تا بازگردد، براض سر راه بر او گرفت و او را کشت و شتران و کالای نعمان را که همراه داشت گرفت، پس قبیله قیس بر قبیله براض فراهم آمدند و کنانه به قریش پناهنده شدند و قریش کنانه را یاری دادند و همراه آنان بجنگ برخاستند. پس در ماه رجب که نزد آنان ماه حرام بود و در آن خونریزی نمی شد، جنگیدند و بدین جهت "فجار" نامیده شد چه در ماه حرام، فجوری (گناهی بزرگ) مرتکب شدند. در این جنگ هر طایفه ای از قریش سروری داشت و سروری بنی هاشم با زبیر بن عبدالمطلب بود و روایت شده است که ابو طالب جلوگیری کرد که حتی یک نفر از بنی هاشم در آن شرکت ننماید و گفت: این کار ستم و بیداد و دوری از نزدیکان و حلال شمردن ماه حرام است و من و کسی از بستگانم در آن شرکت نمی کنیم، پس زبیر بن عبدالمطلب را بزور بردند. و عبد الله بن جدعان تیمی و حرب بن امیه گفتند: در کاری که بنی هاشم نباشند، حاضر نخواهیم شد، پس زبیر شرکت کرد.^{۴۹}

و به قولی ابو طالب در روز (های فجار) حاضر می شد و رسول خدا را به همراه داشت و هر گاه می بود، کنانه، قیس را شکست می داد و برکت را از حضور او می دانستند، پس گفتند: ای فرزند خوراک دهنده پرندگان و آب دهنده حاجیان، ما را تنها مگذار که با بودند پیروزی و غلبه با ما است. فرمود: دست از ستم و بیداد و حق ناشناسی و بهتان زدن بردارید تا من هم از شما جدا نباشم. گفتند: آنچه را بفرمایی انجام دهیم. پس پیوسته حاضر می شد تا خدا آنان را پیروز کرد. و از رسول خدا روایت شده که گفت: شهادت الفجار مع عمی ابی طالب و انا

۳۹- جواد علی، المفصل، ج ۷، ص ۸۵

۴۰- ابن هشام، السیره النبویه، قسم ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰

۴۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۰

۴۲- تاریخ ابن خلدون، ترجمه متن ج ۱ ص ۶۹

۴۳- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲

۴۴- ابن هشام، السیره النبویه، قسم ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰

۴۵- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۴۹-ج ۲، ص ۳۰۸

۴۶- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۴

۴۷- براض از (قبیله) قیس.

۴۸- کنانی.

۴۹- تاریخ یعقوبی/ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۳۷۱



غلام،" پسری بودم که با عمومی خود ابو طالب در حرب الفجار حاضر شدم." و بروایت بعضی بیست ساله بود که در فجار حاضر شد و ابو براء ملاعب الاسنه را با نیزه‌ای از اسبش در انداخت و پیروزی از ناحیه او رسید و حرب بن امیه بن عبد شمس یک ماه پس از (فجار) در شام درگذشت.^{۵۰}

یوسفی غروی در موسوعه تاریخ اسلام جلد اول در حرب فجار استظهار کرده اند با وجود نهی برادر بزرگتر ایشان یعنی حضرت ابوطالب^{۵۱}، وی شرکت نکردند^{۵۲}. گزارش هایی نیز حاکی از آن است که رسول خدا در جنگ فجار حضور داشت و برای عموهای خود تیر جمع میکرد^{۵۳} در جنگ فجار شکوفایی سلحشوری و توان رزمی حمزه، همزمان با آغاز دوران جوانی وی به ظهور رسید. او در نوجوانی شاهد جنگهای زنجیره‌ای و توانفرسای «فجار» (گناه) بود. دومین دوره از جنگ فجار در سال بیستم پس از عام الفیل یا ۳۳ سال قبل از هجرت رخ داد و عرب تا آن روز جنگی به آن گستردگی به خود ندیده بود. این دوره شامل پنج واقعه است که مهمترین آنها عکاظ است که میان قبایل کنانه و قریش از یک سو و قبایل هوازن از سوی دیگر اتفاق افتاد. در این نبرد همه طوایف قریش وارد کارزار شدند و فرماندهی هر خاندان را مهتر آنان به عهده داشت. بدین جهت فرماندهی خاندان بنی هاشم در دست زبیر بن عبدالمطلب بود، و رسول خدا (ص) نیز - که بیست سال بیشتر نداشت - همراه او بود. بعید نیست در آن جنگ، حمزه نیز حضوری فعال داشته است.^{۵۴}

حلف فضول

حلف الفضول پس از حلف المطیبین و حلف الاحلاف منعقد شد و چون غیر از این دو پیمان و افزون بر آنها بود، آن را به این نام خواندند.^{۵۵} همچنین گفته‌اند این پیمان را به دلیل فضل و برتری آن بر دیگر پیمان‌هایی که تا آن روز میان عرب سابقه داشت، و نیز به دلیل شرافت و فضیلت کسانی که آن را منعقد کردند، حلف الفضول نامیدند.^{۵۶} این نام‌گذاری را به زبیر بن عبدالمطلب، که از تیره بنی هاشم بود، نسبت داده^{۵۷} و گفته‌اند وی این پیمان را برای آنان نوشت و اشعاری در این باره سرود.^{۵۸} برخی نیز گفته‌اند که عرب یا قریش به طور خاص، آن را چنین نامیدند.^{۵۹} ابن اسحاق چنین گوید: گروهی از قبیله جرهم و قطورا بنام فضیل بن حارث جرهمی و فضیل بن وداعه و مفضل بن فضاله جرهمی بودند. آنها جمع و متحد شده سوگند یاد کردند که در مکه ستمگری نباشد و در شهر اقامت نکنند. و گفتند: هرگز جز این (پاک کردن مکه از ستم) نباشد زیرا خداوند حق مکه را بسی عظیم فرموده است. این پیمان میان قریش منسوخ گردید که جز نام چیزی از آن نماند. سپس قریش برای تجدید آن یک دیگر را خوانده در خانه عبد الله بن جدعان که از حیث سن و شرف برتری داشت جمع شده دوباره پیمان بستند و سوگند یاد کردند. نمایندگان قریش هم بنی هاشم و بنی مطلب و بنی اسد بن عبد العزی و زهره بن کلاب و تیم بن مره بودند. همه سوگند یاد کرده و عهد بسته که در مکه ستم‌دیده از اهل محل یا از دیگران نبینند مگر اینکه یار و همراه و یاور او باشند تا آنکه ستم را از او دفع کنند.^{۶۰} برخی آن پیمان را شریفترین پیمان در میان مردمان عرب به شمار آوردند.^{۶۱}

- همان ۵۰

۵۱ - گزارش‌هایی وجود دارد که ابوطالب از حضور بنی‌هاشم در این جنگ جلوگیری کرد و گفت: «هذا ظلم و عدوان و قطیعة و استحلال للشهر الحرام و لا احضره و لا احد من اهلی...» این کار ستم و بیداد و دوری از نزدیکان و حلال شمردن ماه حرام است، که نه من و نه کسی از قبیله من در آن شرکت نمی‌کنند. و در همین راستا فقط زبیر بن عبدالمطلب بود که به زور در این جنگ شرکت داشت. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵

۵۲ - غروی یوسفی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، موسوعه تاریخ الاسلام ج اول - حرب الفجار

۵۳ - تاریخ ابن خلدون، ترجمه متن ج ۱ ص ۶۹

۵۴ - رک. اسوه‌های مقاومت (زیست‌نامه فرماندهان قبل از اسلام)، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ناشر، زمزم هدایت، ص ۱۷

۵۵ - رک. به ابن حبیب، کتاب المُنَمَّق فی اخبار قریش، ص ۵۳-۵۴، ۲۷۹؛ یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۱۸

۵۶ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۲۰ و ج ۱۵، ص ۲۰۳

۵۷ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۰۳

۵۸ - رک. به ابن حبیب، کتاب المُنَمَّق فی اخبار قریش، ص ۱۸۷، ۱۸۹؛ مسعودی، تنبیه، ص ۲۱۰

۵۹ - رک. به ابن حبیب، کتاب المُنَمَّق فی اخبار قریش، ص ۵۴، ۲۷۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶

۶۰ - ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه، ج ۷، ص ۳۹

۶۱ - صالحی شامی، ج ۲، ص ۱۵۴، سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۲۹



مطابق گزارش بلاذری، بنی هاشم در حلف الفضول شرکت داشتند.^{۶۲} ابن اثیر میگوید؛ بنی هاشم، فرزندان عبدالمطلب و رسول اکرم در آن شرکت کردند.^{۶۳} قریش آن پیمان را «حلف الفضول» سوگند فضول نامیدند. پیغمبر نیز شاهد و ناظر بوده که در آن اتحاد شرکت جسته بعد از نبوت فرمود: من با اعمام خود در خانه عبد الله بن جدعان شاهد سوگند و اتحادی بودم که برای من سودمندتر از تملک- گله‌های سرخ بود (این رویه و اتحاد دلیل هشیاری و تمدن آن قوم و توجه بزندگانی شریف اجتماعی بود و گواهی پیغمبر هم بهترین شاهد استعداد آن قوم برای عدالت و نظم و تمدن است که اسلام آنرا محقق و مسلم نمود.) و نیز پیغمبر فرمود اگر در عالم اسلام برای چنین پیمانی دعوت شوم در آن شرکت خواهم کرد و آنرا خواهم پذیرفت.^{۶۴}

می توان ادعا نمود که هیچ سند قطعی دال بر وجود حضرت حمزه در پیمان حلف وجود ندارد و اصل

شرکت پیامبر به علت بعضی اخبار مورد تردید است.^{۶۵} نوع اسلام آوردن حمزه نیز حاکی از آن است که نمیتوان گفت اسلام آوری وی به یکباره بوده و با کنار هم قرار دادن اخبار نقش تعهد و تلاش و تاثیر او اثبات می شود. نسبت به زمان تشریف حمزه بن عبدالمطلب^{۶۶} به اسلام تاریخ نگاران دچار اختلاف شده‌اند، گروهی اسلام او را در سال دوم بعثت آن ذکر کرده‌اند.^{۶۷} و عده ایی سال ششم^{۶۸} سید شرف‌الدین و علامه جعفر مرتضی از علمای معاصر در باب اسلام حمزه سخنانی گفته‌اند که نشان دهنده‌ی ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت حمزه قبل از اعلان اسلامش می‌باشد. علامه جعفر مرتضی اسلام حمزه را مبتنی بر معرفت او می‌داند، برخلاف ابن اسحاق که در گزارش خود قصد دارد علت اسلام حمزه را خشم و غضب او به هنگام دفاع از رسول خدا معرفی کند و حال آن که جمله‌ی حمزه که فرمود: چه چیز مانع من می‌شود، در صورتی که برای من روشن شده و من شهادت می‌دهم که او رسول خداست و آن چه که می‌گوید حق است، بیان‌گر

۶۲- انساب الاشراف ج ۲، ص ۲۷۸ تا ص ۲۸۰

۶۳- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۱

۶۴- بلاذری، ج ۲، ص ۱۵

۶۵- پاره‌ای روایات، زمان بستن این پیمان را پنج سال پیش از بعثت، یا در خردسالی پیامبر نوشته‌اند. رک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۳۰ و ج ۱۵، ص ۲۰۳

۶۶- ابن اسحاق می گوید روزی ابوجهل در کنار کوه صفا رسول خدا را دید و او را آزد و سخنان ناخوشایندی به وی روا داشت و دین او را نکوهید و رسالتش را تضعیف نمود، و رسول خدا هیچ سخنی به او نگفت. یکی از کنیزان عبدالله ابن جدعان که در بالای کوه صفا بود ماجرا را شنید و زمانی که حمزه از صید برگشت، او هر روز برای شکار به بیرون از شهر مکه می رفت و چون از شکار بر می گشت به خانه اش نمی رفت تا این که به طواف خانه خدا رفته و بعد از آن در کنار محافل قریش می ایستاد و با آن ها گفت و گو می کرد - کنیز گفت: ای ابوعماره کاش آن چه را ساعتی پیش از این، پسر برادرت از ابی الحکم ابن هشام دید، مشاهده می-کردی، ابوجهل به او دشنام گفت و سخنانی ناروا نثارش کرد.

حمزه پس از شنیدن این سخنان خشمگین شد و در مسجد الحرام به سوی ابوجهل رفت که در میان مردم نشسته بود. او بالای سر ابوجهل ایستاد و کمان خود را محکم بر سر او کوفت و او را مروح نمود. در این هنگام فردی از قبیله بنی مخزوم به یاری ابوجهل برخاسته و به حمزه گفت: تو مردی هستی که از دین خارج گشته ای.

حمزه گفت: چه چیز مانع من میشود از او ﴿در دفاع از او؟﴾ در صورتی که برایم روشن شده ﴿که او بر حق است﴾ و من شهادت می دهیم که محمد رسول خداست و آنچه میگوید حق است. به خدا قسم از او جدا نمی شوم. اگر راست میگویید مرا بازدارید. و این حادثه باعث شد تا حمزه اسلام خویش را برملا سازد(الکامل ابن اثیر، ترجمه ج ۷ ص ۹۳)

در ادامه ابن اسحاق میگوید: زمانی که حمزه اسلام خود را آشکار کرد، قریش دریافت که رسول خدا عزت پیدا کرده و قوی شده است. آن گاه از او دست برداشتند. - ابن اسحاق، سیره، ص ۱۷۱

و سپس شعری از حمزه نقل میکند به این مضمون

سپاس گویم خداوندی را که قلمم را به سوی دین ناب اسلام هدایت کرد.

دینی که از سوی پروردگار عزیز آمده، پروردگاری که نسبت به بندگان آگاه و مهربان است. هرگاه پیام‌های او برای ما خوانده شود، اشک چشم خردمند استوار فرو ریزد.

آن پیام هایی که حضرت محمد از مسیر هدایت خود با آیات روشن قرآن آورده است. - همان ص ۱۷۳

۶۷- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۴۲۳

۶۸- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۴۶



شناخت و معرفی او از رسول خدا و دین اسلام می‌باشد و اگر فقط حمایت جاهلی بود، باید می‌گفت او برادرزاده‌ی من است و در هر صورت من از او حمایت خواهم کرد. علامه جعفر مرتضی می‌گوید: اسلام حمزه مرحله جدیدی بود که در محاسبات قریش نیامده بود، چرا که او معیارها را به کلی دگرگون کرد، بازوی قریش را از توان انداخت و بر وحشت آن‌ها افزود، تا آن‌جا که طغیان آن‌ها فروکش کرد.^{۶۹}

نتیجه گیری؛

حضرت حمزه یکی از مدافعان سرسخت و واقعی دین اسلام در قبل و بعد از دوران بعثت بود که حتی نبی مکرم اسلام به مناسبت‌های مختلف و حتی بر جنازه حمزه در احد این عشق و اخلاص و وفاداری را به گوش عالمیان رساند. نمی‌توان با توجه به عدم اطلاعات و یا وجود اطلاعات شاذ و غیرقابل اعتماد درباره حضور حمزه در دوران قبل از بعثت به صراحت گفت که وی نقشی نداشته و حضور وی مردود است، چرا که این سوال پیش می‌آید که اگر پیامبر در اینگونه حوادث شرکت داشت با توجه به ارتباطات متعدد وی با رسول الله در زمان قبل از اسلام، عدم شرکت حمزه چه مبنایی داشت؟؟ بنابراین از آنجا که مورخ معمولاً دنبال مباحث کلامی نیست و بیشتر تتبع در احوال و آثار و اخبار دارد می‌توان گفت از نظر تاریخ اطلاعاتی دقیق از حضرت حمزه در حوادث قبل از اسلام در دست نیست و اگر هم باشد بعثت اختلاف و ضعف سند مخدوش بوده و قابل دفاع نیست.

نشتمين كنفرانس ملے علوم انسانے و آموزش و پرورش بامحوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



منابع

* نهج البلاغه

* ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد الجزری (م ۶۳۰)، **أسد الغابة في معرفة الصحابة** قرن : هفتم مشخصات نشر: أسد الغابة ، بيروت، دار الفكر، ۱۹۸۹/۱۴۰۹

* ابن حبيب، محمد بن حبيب البغدادي (م ۲۴۵)، **المنمق**، مشخصات نشر: كتاب المنمق في اخبار قريش، تحقيق خورشيد احمد فاروق، بيروت، عالم الكتب، ط الأولى، ۱۹۸۵/۱۴۰۵. زبان: عربي

* ابن حزم (م ۴۵۶)، **جمهرة أنساب العرب**، تحقيق لجنة من العلماء ببيروت، دار الكتب العلمية، ط الأولى، ۱۴۰۳ /

* ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (م ۸۰۸)، **تاريخ ابن خلدون**، موضوع: تاريخ عمومي زبان: عربي قرن: نهم مشخصات نشر: ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دار الفكر، ط الثانية، ۱۹۸۸/۱۴۰۸

* ابن سعد، **الطبقات الكبرى** موضوع: سيره نبوى زبان: عربي قرن: سوم مشخصات نشر: الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الهاشمي البصري (م ۲۳۰)، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ط الأولى، ۱۹۹۰/۱۴۱۰

* ابن شهر آشوب، رشيد الدين محمد بن علي (م ۵۸۸ق) **مناقب آل أبي طالب** - ط علامه محقق / مصحح: آشتياني، محمد حسين و رسولي، هاشم زبان: عربي تعداد جلد: ۴ ناشر: علامه مكان چاپ: قم سال چاپ: ۱۳۷۹ ق نوبت چاپ: اول

* ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد (م ۴۶۳)، **الاستيعاب**، مشخصات نشر: الاستيعاب في معرفة الأصحاب،، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت، دار الجيل، ط الأولى، ۱۹۹۲/۱۴۱۲. زبان: عربي قرن: پنجم

* الأصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله (المتوفى: ۴۳۰هـ) **معرفة الصحابة**، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م

* آيتي بيرجندی، محمد ابراهيم، **تاريخ پیامبر اسلام (ص)**، ناشر : دارالفکر سال نشر : ۱۳۸۶

* آيتي، محمد ابراهيم تاريخ يعقوبی / ترجمه تاريخ يعقوبی، احمد بن ابی يعقوب ابن واضح يعقوبی (م ۲۹۲)

* بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (م ۲۷۹)، **أنساب الأشراف**، قرن: سوم مشخصات نشر: كتاب جمل من انساب الأشراف، ، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دار الفكر، ط الأولى، ۱۹۹۶/۱۴۱۷

* جواد علي (المتوفى: ۱۴۰۸هـ)، **المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام**، ۱۰ جلد، الناشر: دار الساقی



- * سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الناشر: قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵ موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق
- * سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی چاپ محمد محی الدین عبدالحمید بیروت، ۱۹۸۴/۱۴۰۴
- * سنگری، محمدرضا، آینه داران آفتاب، ناشر: موسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، زبان: فارسی، سال چاپ: ۱۳۸۹ نوبت چاپ: ۳
- * شمیری، حبیب طاهر، شهداء الاسلام: فی عصر الرساله مؤلف: ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی زبان: عربی، رده بندی سال چاپ: ۱۳۸۹ نوبت چاپ:
- * شیخ طوسی، محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، رجال الطوسی (شیخ الطائفة) ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی زبان: العربیة نوع کتاب: دیجیتالی نوع متن: کتاب تعداد جلد: ۱
- * طبری، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، تاریخ الطبری، موضوع: تاریخ عمومی، مشخصات نشر: تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
- * مامقانی، عبدالله (م ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، محققین: مامقانی، محمدرضا - مامقانی، محی الدین الناشر موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم ۱۳۸۹
- * مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، موضوع: تاریخ عمومی زبان: عربی قرن: چهارم مشخصات نشر: مروج الذهب و معادن الجواهر، أبو الحسن علی بن الحسن بن علی المسعودی (م ۳۴۶)، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ دوم، ۱۴۰۹
- * مهدوی دامغانی، محمود، المغازی / ترجمه مغازی تاریخ جنگهای پیامبر (ص)، محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم، ۱۳۶۹ ش
- * نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الادب، ناشر: موسسه انتشارات امیرکبیر، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، زبان: فارسی، سال چاپ: ۱۳۶۴ نوبت چاپ: اول
- * الإصفهانی، ابو الفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، زبان: عربی قرن: چهارم مشخصات نشر: مقاتل الطالبیین، الأصفهانی (م ۳۵۶)، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی تا
- * ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ محمد ابولفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷ بیروت، (بی تا)
- * ابن اسحاق، السیر و مغازی، چاپ سهیل زکار، (بی جا)، دارالفکر، ۱۳۹۸/۱۹۷۸، قم، ۱۳۶۸ ش
- * ابن حبیب، محمد بن حبیب البغدادی (م ۲۴۵)، المحبر، چاپ ایلزه لیشتن اشتتر حیدر آباد، دکن، ۱۹۴۲/۱۳۶۱ چاپ بیروت (بی تا)
- * ابن زباله، اخبار المدینه پاپ صلاح عبدالعزیز زین سلامه فمدینه ۲۰۰۳/۱۴۲۴

نشتمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



- * ابن شبه نمیری، تاریخ مدینه منوره، اخبار المدینه النبویه، چاپ محمد فهیم شلتوت (جده) ۱۳۹۹/۱۳۷۹، چاپ قم، ۱۳۶۸
- * ابن محمد، قاضی نعمان تمیمی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ناشر: الجماعة المدرسين بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، سه جلدی، چاپ دوم ۱۳۹۵
- * ابن هشام، عبد الملك بن هشام الحمیری المعافری (م ۲۱۸) السیره النبویه، موضوع: سیره نبوی زبان: عربی قرن: سوم مشخصات نشر: السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلی، بیروت،
- * جمعی از نویسندگان، اسوه های مدیریت و فرماندهی، نویسنده: مصطفی آخوندی | محمدرضا فیاض | سید محمدرضا حسینی | حسین بادوام | سید محمد حسینی شاهرودی | حسین علی پور | محمد زاهدی زیست نامه فرماندهان صدر اسلام، ناشر: زمزم هدایت، سال نشر: ۱۳۹۱
- * خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، زبان عربی مجموعه ۲۴ جلدی، نشر: ناشر مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم تاریخ نشر ۱۳۹۰ ق
- * زریاب خوبی، عباس، سیره رسول الله، تهران ۱۳۷۰ ش
- * عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵،
- * علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، بحر العلوم، محمد صادق (مصحح)
- * کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، الکافی، ۱۵ جلدی، نشر: دارالحدیث، قم
- * مورج سدوسی، حذف من نسب القریش، چاپ صلاح الدین منجد، بیروت ۱۳۹۶/۱۹۷۶
- * واقدی، محمد بن عمر (م ۲۰۷)، المغازی، مشخصات نشر: کتاب المغازی، محمد بن عمر الواقدی تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ط الثالثه، ۱۹۸۹/۱۴۰۹. زبان: عربی قرن: سوم
- * یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، مشخصات نشر: تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بالیعقوبی (م بعد ۲۹۲)، بیروت، دار صادر، بی تا.
- * یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعه التاريخ الإسلامی، ناشر: مجمع الفكر الإسلامی، مکان: نشر قم - ایران سال نشر ۱۴۱۷ ق چاپ موضوع اسلام - تاریخ زبان عربی تعداد جلد ۶

۱۹۸۳

دار المعرفة، بی تا

الطبعة: الرابعة ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۱ م

نشتمین کنفرانس ملی
علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



ناشر: الشریف الرضی، المطبعة الحیدریة، مکان نشرقم - ایران، عراق - نجف اشرف، سال نشر ۱۴۰۲ ق چاپ، ۲ زبان عربی

نام مؤلف: تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ششم، ۱۳۷۱ ش.